

نکته مدیریتی



بینش تصمیم‌گیری درست

بقیه برای محل بازی نبود طرد شده و قربانی این اتفاق شد و هیچ کس برای او متأسف نشد. او که ریل از کار افتاده را برای بازی انتخاب کرده بود هرگز فکر نمی‌کرد مرگش اینگونه رقم بخورد. اگرچه هر ۴ کودک مکان نامناسبی را برای بازی انتخاب کرده بودند ولی آن کودک تنها قربانی تصمیم اشتباه‌تر دوستانش که آگاهانه تصمیم به آن کار اشتباه گرفته بودند شد. با این تصمیم سوزن‌بان نه تنها آن کودک بی‌گناه و عاقل جاننش را از دست داد بلکه زندگی همه مسافران نیز به خطر افتاد زیرا ریل از کار افتاده منجر به واژگونی قطار و آسیب مسافران شد و نتیجه این تصمیم چیزی جز زنده ماندن ۳ کودک نادان نبود.

مسافران قطار را می‌توان به عنوان تمامی کارمندان سازمان فرض کرد و گروه مدیران را همان کودکانی در نظر گرفت که می‌توانند سرنوشت سازمان (قطار) را تعیین کنند.

گاهی در نظر گرفتن منافع چند نفر که به اشتباه تصمیمی گرفته‌اند، منجر به از دست رفتن منافع کل سازمان خواهد شد و این همان قربانی کردن صدها نفر برای نجات این چند نفر است.

زندگی کاری همه مدیران پر است از تصمیم‌گیری‌های دشوار.

به یاد داشته باشید آنچه که درست است همیشه محبوب نیست... و آنچه که محبوب است همیشه حق نیست!

تهیه و تنظیم: مه‌ری یآوری عضو هیات علمی و مسئول کمیته آموزش پاسخگو EDO دانشکده پرستاری و مامایی



گروهی از بچه‌ها در اطراف راه آهن، مشغول بازی بودند. یکی از ریلها قابل استفاده بود ولی دیگری غیرقابل استفاده. یک نفر از بچه‌ها روی ریل خراب شروع به بازی کرد و پس از مدتی روی همان ریل خوابش برد. ۳ بچه دیگر هم پس از کمی بازی روی ریل سالم، همان‌جا خوابشان برد. قطار در حال آمدن بود، و سوزن‌بان باید تصمیم صحیحی می‌گرفت. او می‌توانست مسیر قطار را تغییر داده و آن را به سمت ریل خراب هدایت کند و با قربانی کردن یک کودک جان ۳ کودک دیگر را نجات دهد و یا می‌توانست اجازه دهد قطار به راه خود ادامه دهد.

اگر شما به جای سوزن‌بان بودید در این زمان کوتاه و حساس چه تصمیمی می‌گرفتید؟



بعضی ممکن است منحرف کردن مسیر قطار برای نجات ۳ کودک را

انتخاب کنند. از نظر اخلاقی و عاطفی شاید تصمیم صحیحی به نظر برسد اما از دیدگاه مدیریتی چطور...؟ در این تصمیم، آن کودک عاقل به خاطر سه دوست نادان خود که در مسیر اشتباه و خطرناک، بازی می‌کردند، قربانی می‌شود. این معضل هر روز در اطراف ما (اداره، جامعه، سیاست و...) اتفاق می‌افتد، اقلیت قربانی اکثریت سهل‌انگار یا نادان می‌شوند. کودکی که موافق با انتخاب